

در سوگ مادر شهیدی که دار و ندارش را وقف کرد

## هیچ چیز را برای خودش نمی خواست

هم قدم

پرتلاش بود؛ با اینکه داغ های زیادی دید و دو فرزندش را از دست داده بود، بسیار استوار بود و هیچ گاه زندگی را از دست رفته نمی دید و اعتماد به نفس زیادی داشت.

به گفته او حاج خانم قاسم خانی ساده زیستی را بسیار دوست می داشت. تجملات را نمی پسندید؛ دستگیر همه بود اما هرگز دنبال ریانی نبود. با وجود ثروت زیادی که داشت، هیچ چیز را برای خودش نمی خواست و زندگی اش را با حداقل ها می گذراند.

تعریف می کند: خبر شهادت علیرضا که دادند، با من تماس گرفت که حسین بیا! اول گفته بودند مفقود الاثر است، بعد خبر دادند معراج شهید است. به اتفاق رفیقیم معراج ببینیم قضیه از چه قرار است. پیکر پسرش را نشان دادند. علیرضا، فرزند ارشدش، اهل نماز شب و عبادت بود و فاطمه خانم علاقه زیادی به او داشت. وقتی تابوت را باز کردند، با صورت علیرضا که بد جوری پاشیده شده بود، مواجه شد. من نگران حالش شدم اما همان جادیم به سجده افتاد و شکرگزاری کرد و بعد از آن هم همیشه شاکر بود.

### ● لحظه مرگ هیچ مالی نداشت

حسین آقا می گوید: نزدیک ترین فرد به خواهرم، من بودم. تکیه کلامش رسیدگی به نیازمندان بود! گاهی به او می گفتم: «پس برای خودتان چی؟ دست کم شرایط زندگی تان طوری باشد که راحت باشید!» اما پیربار نمی رفت و به همان زندگی ساده خودش راضی بود. دنیایی که مادر آن زندگی می کردیم، با افکار او جور نبود و وسعت دید خاصی داشت و آسمانی بود و همه املاک و دارایی اش را وقف کرد.

به همه محبت می کرد اما به بچه های بسیجی علاقه عجیبی داشت. و در یک کلام، الگوی تمام عیار زن مسلمان بود. روزی که به رحمت خدا رفت، جز یک هزینه حداقلی برای مراسم عزیزی اش، آن هم در حد یک مجلس معمولی، هیچ دارایی دیگری نداشت.

شهرآرامحله داد و با عنوان «هدیه مادر شهید غفاریان به مردم محله» در ۱۳ بهمن ماه ۱۴۰۲ در شهرآرامحله منطقه ۱ و ۲ به چاپ رسید. با ساخت این مسجد، دسترسی و رفت و آمد علاقه مندان به مسجد راحت تر شد و همین پای نمازگزاران را به مسجد باز کرد؛ این در حالی است که آموزش های قرآنی نیز از همان روزهای نخست در فضای مسجد شروع و با استقبال خوب اهالی مواجه شد.

### ● بعد از افتتاح مسجد دیگر تاب ماندن نداشت

مهم ترین دغدغه حاج خانم به نتیجه رسیدن مسجد بود و همیشه می گفت هیچ آرزویی ندارم جز اینکه با چشمان خودم برپایی نماز در این مسجد را ببینم! حسین قاسم خانی، برادر کوچک آن مرحوم، تعریف می کند: بعد از افتتاح مسجدی که در خین عرب وقف کرده بود، دیگر برای رفتن لحظه شماری می کرد. اصلا دل به این دنیای خاکی نداشت و تنهادهای روز و شبش شده بود پیوستن به پسر شهیدش! در بیست روز اخیر حالش وخیم بود؛ هم قدرت تکلم و هم بلع غذا را از دست داده بود.

او شخصیت خواهر بزرگش را این گونه توصیف می کند: بسیار

سعیده ساجدی نیا پس از اینکه سهم الارث دو فرزندش را داد، اول خانه اش را به یاد فرزند شهیدش وقف امور فرهنگی حوزه علمیه کرد اما باز هم قرار نداشت؛ دلش می خواست به نیت همسر مرحوم و فرزند شهیدش کار ماندگار دیگری هم انجام دهد. پس عزمش را برای ساخت یک مسجد در منطقه ای کم برخوردار جزم کرد.

این مادر شهید هزینه خرید زمین و ساخت بنای مسجد را با فروش طلاهایش و زمینی در ویرانی فراهم کرد، حتی فرش های زیر پایش را نیز برای مفروش کردن مسجد کنار گذاشت. انتهای خین عرب، حوالی روستای فریزی، محلی بود که برای ساخت مسجد به او پیشنهاد شد؛ جایی که تنها یک مسجد داشت و نمازگزاران ناگزیر بودند برای رفتن به مسجد، مسیر زیادی در رفت و آمد باشند.

چهارشنبه بیستم فروردین امسال، آخرین صفحه زندگی حاج خانم فاطمه قاسم خانی (مادر شهید علیرضا غفاریان) ورق خورد و او پس از تحمل سال ها رنج فراق سرانجام به فرزند شهیدش، علیرضا پیوست و در رواق حضرت زهرا (س) حرم رضوی آرام گرفت.

### ● ساخت مسجد، دومین وقف ماندگار

ساخت مسجد با نام مبارک «امیرالمؤمنین (ع)» از سال ۹۹ کلید خورد و در سه طبقه به اضافه زیرزمین به متراژ سیصد متر مربع طراحی شد. بالاخره انتظارها به پایان رسید و اولین نماز این مسجد، چهارشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۲ در شب میلاد امیرالمؤمنین علی (ع) با حضور مادر شهید، جمعی از مدیران شهرداری و اهالی محل اقامه شد و به طور رسمی به بهره برداری رسید. بر اساس گزارشی که همان زمان حبیب... یزدانی، عضو شورای اسلامی خین عرب به



موکب عشاق الائمه (ع) در خیابان نوغان، همه سال، از زائران پذیرایی می کنند

## همیشه میهمان داریم



عیدگاه

سرمایشی و گرمایشی و حمام گرفته تا سه وعده غذای گرم. نوروز امسال فضای سرپوشیده ای را با داربست درست کردیم و از ۶ هزار زائر آقا و هزار زائر خانم پذیرایی کردیم.

نژادی فهرست تماس هایش را نشان می دهد و می گوید: مشهد شهر زبانی است و وقتی سفر به مشهد برای زائران تمام شود، سال بعد هم با خاطر جمع به زیارت می آید. خیلی از زائران شماره تماس ما را می گیرند و پیش از اینکه به مشهد بیایند، از برپایی محل اسکان و موکب مطمئن می شوند.

### ● کمک های عاشقانه

احمد شمس که تابا ز نشستگی راهی ندارد، با انرژي زیاد سینی های دمنوش را آماده می کند. هر شب جمعه کارش همین است که با عشق بیاید و برای زوار امام رضا (ع) چای بریزد. او می گوید: پس از باز نشستگی هم می آیم. بحث عاشقی است.

حمید عاشوری نیروی جوان و فعالی است که پس از پرآب کردن سماور بزرگ، به دیگ غذا سرمی زند. اینجا هیچ کاری زمین نمی ماند. او می گوید: خیلی ها هستند که برای کمک داوطلبانه به موکب می آیند؛ هم خانواده بچه های سازمان و هم افراد دیگری که دوست دارند به زائران خدمت کنند.

در تأیید صحبتش به خانواده ای که مشغول شستن ظرف ها هستند،

نجمه موسوی کاهانی اعطر آویشن در فضای اطراف موکب پیچیده است. زائران روی صندلی های نبش نوغان ۲ در محله بالا خیابان نشسته اند و استکان چای در دست دارند. صدای نوحه از موکب عشاق الائمه (ع) به گوش می رسد. چند جوان عراقی با نوحه همخوانی می کنند و از حال و هوای موکب عکس و فیلم می گیرند. خانمی بالهجه اصفهانی به همراهانش می گوید بنشینید و بانوشیدن چای و دمنوش خستگی بگیرید. موکب عشاق الائمه (ع) پایگاهی معنوی است که از سه سال پیش به کوشش تعدادی از کارکنان سازمان عمران شهرداری مشهد در نوغان راه اندازی شد و با کمک های مردمی و همت بچه های موکب اداره می شود. با چند نفر از نیروهای این سازمان که عاشقانه در این موکب خدمت می کنند، گفت و گوی کنیم.

### ● اسکان زائر با امکانات کامل

«اولین قدم در دهه آخر صفر سال ۱۴۰۱ برداشته شد؛ زمانی که بیشترین ورود زائر به مشهد اتفاق می افتد. حسین فرد می گوید: موکب زدیم و یک زمین بزرگ را هم برای اسکان زائر آماده کردیم و ۴۰ هزار و ۵۰۰ نفر را اسکان دادیم. بعد که دیدیم خیلی استقبال شد، این کار را ادامه دادیم.»

حسین نژادی رشته کلام را در دست می گیرد و ادامه می دهد: همه امکانات یک زائر سارا برای آن ها فراهم کردیم؛ از چادر و پتو و وسایل

اشاره می کند. خانواده آذرنیا با چهار فرزندشان می آیند اینجا و با جان و دل کمک می کنند. زهرا و نازنین در حالی که مشغول شستن استکان ها هستند، می گویند: از مدرسه که می آییم، تکالیفمان را زود تمام می کنیم تا بتوانیم بیاییم موکب و کمک کنیم. آمدن به موکب حتی از مهمانی رفتن و گشت و گذار هم بهتر است.

### ● کار فرهنگی در کنار پذیرایی و اسکان

علاوه بر شب های جمعه، در همه مناسبت های مذهبی از اعیاد گرفته تا شهادت ها این موکب برپاست. دهه فاطمیه ۲۱ شب مراسم است و هر شب در حد توان، بین ۷۵۰ تا ۹۰۰ وعده غذای گرم بین زوار توزیع می شود. در کنار پذیرایی و اسکان، غرفه های فرهنگی نیز برگزار می شود که امسال خواهر شهید حسین محرابی مسئولیت بخش فرهنگی موکب را بر عهده دارد. از کارهای تأثیرگذار موکب در محرم امسال نیز هشت اجرای تعزیه خوانی در روزهای تاسوعا، عاشورا و شام غریبان بوده که با استقبال همراه شده است.